



سیاست های اتحادیه اروپا در روند صلح خاورمیانه

مهدی آقاعلیخانی*

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۵ و تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۵/۱۳)

چکیده

اتحادیه اروپا از آغاز ایفای نقش در مسائل جهانی و منطقه ای، خاورمیانه و روند صلح آن را در دستور کار خود قرار داده و به عنوان یکی از بازیگران مهم آن درآمده است. اروپا به رغم موانع دوران جنگ سرد تلاش کرد تا حضوری فعال در این منطقه و منازعه آن داشته باشد. با آغاز مذاکرات صلح در دهه ۹۰ اتحادیه به دنبال ارتقا نقش خود در مذاکرات از حوزه اقتصادی به حوزه سیاسی بود و در این دوره به ارائه مواضعی شفاف در قبال منازعه فلسطینی-اسرائیلی پرداخت که برخی از اصول مورد نظر اروپا بعدها به عنوان مبانی صلح طرح گردید. با ارائه نقشه راه اروپا در کنار ایالات متحده - بازیگر مسلط روند صلح- حضوری متفاوت را دنبال کرد. این مقاله در پی آن است که به بررسی سیر تحول مواضع جامعه/اتحادیه اروپا در قبال منازعه خاورمیانه بپردازد و با مطالعه مواضع، سیاست ها و رویکرد اتحادیه در قبال مهمترین موضوعات دخیل در روند صلح، میزان توفیق اروپا در پیشبرد مواضع و تحقق اهدافش

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، گروه علوم سیاسی، تاکستان، ایران.

در روند صلح و چرایی آن را مورد سنجش قرار دهد.

کلید واژگان

روند صلح خاورمیانه، اتحادیه اروپا، دولت فلسطینی، نقشه راه، حماس.

مقدمه

پایان جنگ جهانی دوم، ایجاد نظام دوقطبی به رهبری آمریکا و شوروی بود و اروپا که بر اثر جنگ مرکزیت و قدرت خود را در عرصه جهانی از دست داده بود، می بایست با توجه به الزامات این دوره در امور جهانی مشارکت کند. از اینرو تلاش هایی را در جهت احیای نقش گذشته اما به صورت منسجم آغاز کرد. هر چند که در آغاز تلاش برای وحدت سیاسی امیدبخش نبود، اما تلاش برای همگرایی اقتصادی با فعالیت جامعه زغال سنگ و فولاد اروپایی توفیق بیشتری یافت. از این زمان به تدریج و با توسعه روند همگرایی، نهادهای اروپایی طیف وسیعی از مسوولیت ها از موضوعات اقتصادی، فرهنگی، دفاعی تا سیاسی و حقوق بشر را عهده دار شدند.

عمده ترین تلاش ها برای وحدت سیاسی و اتخاذ یک سیاست خارجی مشترک به دهه ۱۹۷۰ باز می گردد اما نیل به این هدف با معاهده ماستریخت در ۱۹۹۲ میسر شد. بر این اساس اتحادیه اروپا بر سه پایه جامعه اروپا، سیاست خارجی و امنیتی مشترک^۱ و امور داخلی و مسایل قضایی شکلی نوین یافت. بر اساس معاهده ماستریخت اهداف سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا در ماده J1 این گونه عنوان شد: «حفظ ارزش های مشترک، منافع اساسی و استقلال اتحادیه؛ تقویت امنیت اتحادیه و اعضای آن در تمام ابعاد؛ حفظ صلح و تقویت امنیت بین المللی؛ ترغیب همکاری های بین المللی؛ توسعه و تقویت دموکراسی و دولت حقوقی و رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی.» (نقیب زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴)

شورای اروپا در نشست ۲۹ اکتبر ۱۹۹۳ خود توانست فهرست موضوعاتی را که در برگیرنده منافع

^۱ - CFSP : Common Foreign and Security Policy

همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا است به صورت زیر عنوان کند: ثبات اروپا، مسایل خاورمیانه، مسایل آفریقای جنوبی، مسایل یوگسلاوی سابق و روسیه. (نقیب زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۰۵)

در سال ۱۹۹۹ و با لازم الاجرا شدن معاهده آمستردام خاویر سولانا به عنوان نماینده عالی در امور CFSP انتخاب شد. معاهده ای که علاوه بر پیگیری تعمیق و گسترش اتحادیه اروپا، بر تقویت سیاست مشترک خارجی و امنیتی و تقویت هویت دفاعی و امنیتی اروپا تاکید داشت. در ادامه فرآیند همگرایی در اروپا و به دنبال اجرایی شدن پیمان لیسبون در دسامبر ۲۰۰۹ دوران جدید اتحادیه آغاز شد. بر این اساس نخست وزیر بلژیک به عنوان اولین رئیس شورای اروپا و کاترین اشتون از بریتانیا به عنوان نماینده عالی اتحادیه در امور سیاست خارجی و امنیتی^۱ انتخاب شدند.

در واقع با رفع موانع حضور مستقل اروپا در عرصه سیاست جهانی پس از فروپاشی نظام دوقطبی، اتحادیه اروپا توانست در سایه همگرایی اقتصادی و سیاسی، خود را به عنوان بازیگری مهم در عرصه نظام بین الملل مطرح کند. کی.جی. هالستی در این باره می گوید اروپا که در ایجاد نظام جهانی معاصر سهم داشته، خود می خواهد در آن نقش عمده ای ایفا کند. (هالستی، ۱۳۸۰، صص ۱۰۵-۱۰۴)

از مهم ترین موضوعاتی که اعضای جامعه/اتحادیه اروپا در قالب سیاست خارجی و امنیتی مشترک خود بر آن تاکید داشته و به عنوان مساله مورد علاقه آن را دنبال کرده اند، مسائل خاورمیانه به طور عام و روند صلح آن به طور خاص بوده است. تاکید بر مسایل خاورمیانه در نشست وزیران امور خارجه جامعه اقتصادی در ۱۹ نوامبر ۱۹۷۰ و تاکید مجدد بر آن به عنوان اولین اولویت پس از ثبات اروپا در نشست ۲۹ اکتبر ۱۹۹۳ شورای اروپایی تاییدی بر این مدعاست. ضمن اینکه این اتحادیه در سال ۱۹۹۶ و در جهت ایفای نقش کامل سیاسی در روند صلح خاورمیانه^۲ «میگل آنخل مورائینوس» را به عنوان نماینده ویژه اتحادیه اروپا^۳ در روند صلح انتخاب کرد و در سال ۲۰۰۳ نیز مارک اوتو این مسوولیت را عهده دار گردید. اتحادیه در سال ۱۹۹۹ در بیانیه برلین منشور خود را در قبال روند صلح خاورمیانه به صراحت اعلام کرد. اتحادیه همچنین از سال ۲۰۰۲ در کنار ایالات متحده، روسیه و سازمان ملل در

^۱ - EUHR: EU High Representative for Foreign Affairs and Security Policy

^۲ - MEPP: Middle East Peace Process

^۳ - EUSR: EU Special Representative

راستای نقشه راه صلح^۱ در روند صلح مشارکت دارد. با توجه به منافع اروپا در خاورمیانه این ایفای نقش اتحادیه به آزمونی «در توسعه سیاست خارجی و امنیتی مشترک خود» (Steinberg, 1999) بدل شده است.

این پژوهش بر آن است تا با بررسی مواضع اروپا نسبت به روند صلح خاورمیانه به این پرسش اصلی پاسخ دهد که اتحادیه اروپا تا چه میزان در پیشبرد مواضع و نیز تحقق اهداف خود در روند صلح خاورمیانه توفیق داشته است و دلیل آن چه بوده است؟ سوال های فرعی نیز به این شرح است: دلایل رویکرد اروپا به منطقه خاورمیانه و روند صلح آن چیست و در این راه اتحادیه با چه محدودیت ها و فرصت هایی مواجه بوده است؟ سیر تحول مواضع جامعه/اتحادیه اروپا در قبال منازعه خاورمیانه چه بوده و چه تاثیری بر روند صلح داشته است؟ اقدامات و رویکرد اروپا در جهت حل و فصل منازعه خاورمیانه چه می باشد؟ و اروپا در خصوص موضوعات عمده مورد مناقشه در روند صلح (کشور مستقل فلسطینی، بیت المقدس، شهرک سازی ها و...) چه موضعی اتخاذ کرده است.

فرضیه پژوهش این است که اتحادیه اروپا به رغم تلاش در جهت ارائه هویت مستقل و توفیق نسبی در قبولاندن پیش فرض های خود برای فیصله منازعه خاورمیانه به طرفین و تمامی بازیگران دخیل، پیشبرد سیاست هایش در جهت تحقق صلح همچنان وابسته به نقش و دیدگاه های ایالات متحده آمریکاست.

مباحث نظری

اتحادیه اروپا به عنوان یک سازمان منطقه ای در چارچوب رویکرد همگرایی توسعه و تکامل یافته است. از این رو تبیین نقش این اتحادیه در سیاست بین الملل می بایست با توجه به این موضوع مورد توجه قرار گیرد. ضرورت های شکل گیری اتحادیه و نحوه و اهداف آن نیز می تواند در تحلیل نظری موقعیت اروپا در موضوعات مختلف راهگشا باشد. از نظر لیبرال ها اتحادیه اروپا بازیگری است که با توجه به قدرت خود از رویکردهای نرم و چندجانبه گرایانه در مواجهه با مسائل مختلف بهره می گیرد. آنها بر اساس ماهیت لیبرالی خود بر احترام به ارزش های دموکراتیک، حق تعیین سرنوشت و حقوق بشر تأکید

^۱ - Road Map for Peace

می کنند. برای حقوق بین الملل و نهادها و سازمان های بین المللی اهمیت زیادی قائلند. به اعتقاد لیبرال ها ابزار آنها در پیگیری سیاست های خود بیشتر تاکید بر دیپلماسی، ترغیب و بهره گیری از ابزار اقتصادی است از اینرو در مواجهه با مشکلات بردباری بیشتری دارند. هواداران لیبرالیسم با اشاره به همین قدرت نرم اتحادیه اعتقاد دارند اروپا از توان اقناعی بالایی در تأثیرگذاری بر روندهای بین المللی برخوردار است و می تواند به عنوان یک قدرت بزرگ به ایفای نقش جهانی بپردازد.

در مقابل دیدگاه لیبرالیسم، منتقدانی چون رابرت کگان معتقدند که ضعف نظامی اروپا و صرفاً قدرت اقتصادی آن دلیل ارزش قائل شدن برای ابزار نرم قدرت و در مقابل قائل شدن ارزشی کمتر برای قدرت سخت است (کگان، ۱۳۸۲، ص ۴۵) این نومحافظه کار آمریکایی در کتاب خود نوشت اگر اروپا قدرت قرن ۱۸ خود را داشت آمریکا نیز از حقوق بین الملل سخن می گفت! کنت والتز نواقح گرا نیز اعتقاد دارد ۵ شاخصه نشان دهنده آن است که یک دولت قدرت بزرگ است. جمعیت و سرزمین، منابع طبیعی، قدرت اقتصادی، ثبات سیاسی و قدرت نظامی. والتز معتقد است که اتحادیه اروپا تنها ۴ شاخص اول را داراست. او قبلاً در معرفی نامزدهای ابرقدرتی آینده با اشاره به همین شاخص ها درباره اروپا نوشته بود که اتحادیه به رغم برخورداری از این شاخص ها «فاقد توان سازماندهی و اراده عمومی جهت بهره برداری از آنهاست.» (ایکنبری، ۱۳۸۲، ص ۹۰) برخی دیگر از محققان به فقدان یک «سیاست خارجی منسجم» در نزد اتحادیه اشاره و آن را از دیگر دلایل ضعف اروپا می دانند. واقع گرایان منکر آن نیستند که اتحادیه اروپا بازیگر اقتصادی بسیار قدرتمندی است. به گونه ای که والتز با تاکید بر اینکه قدرت اقتصادی بالا از ویژگی های مهم یک قدرت بزرگ است و اشاره به اینکه هیچ دولتی بدون برخورداری از توان نظامی، توان رقابت با سایر قدرت های بزرگ را ندارد تاکید می کند: در صورتی که یک دولت از جایگاه ممتازی در سایر منابع قدرت برخوردار باشد، لازم نیست تا از یک توان نظامی چشمگیر نیز بهره مند باشد (کیانی، ۱۳۸۷، ص ۹۷)

در مجموع باید گفت اتحادیه اروپا امروز به بازیگری مهم و اثرگذار در موضوعات جهانی و منطقه ای بدل شده است. هر چند از جهت نظامی و امنیتی اتحادیه خود همچنان وابسته به نقش ایالات متحده است، اما تلاش های اروپا برای ایفای نقش سیاسی مستقل از آمریکا همچنان ادامه دارد. اروپا در قبال موضوعات مختلف دیدگاه های خاص خود را دارد و آن را غالباً براساس تجارب گذشته و نیز هنجارهای

حاکم بر خود توجیه می کند. با بررسی هنجارهای حاکم بر اروپا و همچنین رویکردهای اتخاذ شده توسط آن می توان مشاهده کرد دیدگاه لیبرال ها بیشتر قادر به تبیین نقش آفرینی و سیاست های اتحادیه در عرصه های مختلف از جمله روند صلح است. اتخاذ سیاست های چندجانبه گرایانه، حمایت از ایفای نقش نهادهای بین المللی، تاکید بر حقوق بین الملل و همچنین ارزش های دموکراسی، بهره گیری از دیپلماسی و همچنین ابزارهای نرم مانند اقتصادی در مواجهه با موضوعات و مشکلات موجود و... مبین این ادعاست. اگر اتحادیه اروپا را براساس قدرت نرم، قدرتی بزرگ بدانیم «یکی از مهمترین نقش هایی که قدرت های بزرگ می توانند در جهان امروز بازی کنند، ایفای نقش ضامن ها و یا ضمانت کنندگان ترتیبات صلح منطقه ای است.» (لیک و مورگان، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲) و روند صلح خاورمیانه نیز از این قاعده مستثنی نیست.

دلایل رویکرد اتحادیه اروپا به خاورمیانه

با پایان جنگ سرد و علاقه اروپا برای نشان دادن تحرک بیشتر در عرصه بین الملل به خصوص در منطقه خاورمیانه، شکل حضور اروپا نیز در مقایسه با دوران جنگ سرد تغییر و تحول اساسی یافت. در حالی که در دوران جنگ سرد حضور اروپا در منطقه بیشتر اقتصادی و در قالب بازار مشترک بود، در دهه ۹۰ شکل آن بیشتر سیاسی شد و اروپا در این دهه بر مناسبات سیاسی خود با کشورهای منطقه آن هم مستقل از آمریکا تاکید داشت و از ملاحظات اقتصادی و فرهنگی به مثابه ابزاری جهت نیل به روابط سیاسی کمک جست. (امامزاده فرد، ۱۳۷۸، صص ۷۴-۷۳)

دلایل عمده رویکرد اروپا به منطقه خاورمیانه را می توان بطور خلاصه بدین شرح بیان کرد: نزدیکی جغرافیایی و تاریخی اروپا و خاورمیانه؛ آسیب پذیری اروپا نسبت به تحولات خاورمیانه به ویژه از زمان بحران نفتی دهه ۷۰ و نیز بی ثباتی در صدور انرژی، سرعت بخشیدن به تحقق صلح خاورمیانه با توجه به روابط نزدیک اروپا با طرفین درگیر؛ دغدغه های امنیتی اروپا نسبت به خاورمیانه «به ویژه مساله تروریسم و بنیادگرایی اسلامی» (سلامه، ۱۳۷۷، ص ۱۵۹) گسترش سلاح های کشتار جمعی، قاچاق اسلحه، مواد مخدر و انسان؛ ایجاد ثبات و امنیت در مرزهای اروپا با توجه به منازعه فلسطینی- اسرائیلی، درگیری های یونان و ترکیه، بالکان و...؛ پیوندهای جمعیتی؛ شراکت اقتصادی با

کشورهای منطقه و اعتقاد به اینکه یکی از وظایف اتحادیه «تشویق شرکای عرب و اسرائیلی به برقراری روابط و همکاری درازمدت و همیاری در جهت توسعه متوازن اقتصادی می باشد و این خود مستلزم تحقق ثبات و امنیت بیشتر در منطقه است» (سلیمانی، ۱۳۷۹، صص ۱۵۷-۱۵۶)؛ ترویج دموکراسی و بهره گیری از رایزنی و ابزار دیپلماتیک و سیاست های نرم افزاری در ارتباط با کشورهای خاورمیانه، شکل دهی به هویت مستقل اروپایی و «تمایلات روزافزون به ایفای نقش بازیگر جهانی» (O'Donnell, 2008, p.2)

در پرتو این اهداف و در حالی که تامین منافع اقتصادی برای اروپا در شرایط استقرار صلح و ثبات مطلوب می باشد، «دولت های اروپایی بنا به دلایل سیاسی و سمبلیک و منافع اقتصادی هم به صورت انفرادی و هم در قالب اتحادیه به ایفای نقش فعال در روند صلح خاورمیانه پرداخته اند.» (Steinberg, 1999) و در این راه سعی می کنند با حضور در برخی حوزه های بحرانی با بهره گیری از تجربیات خود در این منطقه و موجه جلوه دادن و مشروع ساختن ابزارهای تاثیرگذار خود، ایفای نقش کند.

اروپا و منازعه اعراب- اسرائیل در دوران جنگ سرد

از لحاظ تاریخی آغاز دهه ۷۰ مصادف با تلاش کشورهای اروپایی برای اتخاذ سیاستی مشترک و ایفای نقش فعال در عرصه بین الملل بود. بحران خاورمیانه نیز زمینه را برای آزمون همکاری کشورهای اروپایی فراهم کرد و به رغم برخی تضادها در میان آنها، منافع اقتصادی کشورهای عضو، جامعه اروپا را به یک جانبداری نسبی از اعراب در قبال منازعه خاورمیانه در عین روابط نزدیک با اسرائیل، سوق داد. اولین بیانیه سران جامعه در قبال تحولات خاورمیانه با عنوان «مبنای صلح» در کپنهاگ (۱۹۷۳) اعلام شد. سران اروپایی ابتکار خود را مبتنی بر «صلح بر مبنای عدم پذیرش الحاق سرزمین ها به زور» و «لزوم پایان اشغال اراضی ۱۹۶۷»، «شناسایی حقوق فلسطینی ها از سوی اسرائیل» و «حاکم دانستن مفاد کنوانسیون چهارم ژنو بر بیت المقدس» و «احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت همه دولت های منطقه» مطرح کردند.

در ژوئن ۱۹۷۴ سیاست جدید اروپا تعامل با دولت های عرب و گفتگو با اسرائیل ناشی از خصوصیت

موازنه در سیاست خارجی جامعه اروپا عنوان شد. در سپتامبر ۱۹۷۴ اولین کنفرانس بین المجالس برای راه اندازی مذاکرات موسوم به دیالوگ ارو-عرب در دمشق برگزار شد. (نقیب زاده، ۱۳۸۲، صص ۱۷۲-۱۷۱) اما مذاکرات به دلیل تحریم نفتی هلند و وتوی مذاکره با اعراب از سوی انگلستان به تاخیر افتاد. از موانع دیگر این گفتگو اختلاف نظر بر سر شرکت نمایندگان فلسطین بود چرا که اروپا تا این زمان سازمان آزادیبخش فلسطین را به رسمیت نمی شناخت. مذاکرات ارو-عرب در نهایت به دلیل اختلاف نظر اعراب و عدم توافق بر محورهای مورد بحث و نیز درگیری کشورهای اروپایی در مسایل جنگ سرد دوم و در اولویت قرار دادن مناطقی چون اروپای شرقی و با توجه به کاهش قیمت نفت و مانع تراشی ایالات متحده بر سر ایفای نقش اروپا در خاورمیانه، در نشست پاریس (۱۹۸۹) بدون نتیجه به کار خود پایان داد.

در سال ۱۹۷۷ سران شورای اروپایی مجدداً بر ضرورت ایجاد یک سرزمین فلسطینی تاکید کردند و در سال ۱۹۷۹ اقدامات اسرائیل در سرزمینهای اشغالی و نیز دخالت در امور لبنان را محکوم نمودند. در ژوئن ۱۹۸۰ و یک سال پس از امضای قرارداد صلح کمپ دیوید، جامعه اروپا با صدور «اعلامیه ونیز»، خواهان دخالت مؤثر در روند صلح شد. در این بیانیه اروپا ضمن تاکید بر حق حیات اسرائیل در مرزهای امن و شناخته شده بین المللی، خواستار راه حلی عادلانه برای حل مساله فلسطین گردید. در این بیانیه شناسایی حقوق فلسطینی ها در حق تعیین سرنوشت مورد تاکید قرار گرفت و هرگونه اقدام یکجانبه در تغییر وضعیت بیت المقدس و شهرک سازی در اراضی فلسطینی ها براساس حقوق بین الملل رد شد. ضمن آنکه جامعه اروپا برای اولین بار بر حضور سازمان آزادیبخش فلسطین در مذاکرات آتی تاکید کرد. (Everts, 2003: p.17) این بیانیه واکنش تند اسرائیل را به همراه داشت از جمله این که اروپا متهم شد از اسرائیل خواسته است با ساف که از سوی آمریکا و اسرائیل به عنوان گروه تروریستی شناخته می شود، مذاکره کند.

اصول بیان شده در اعلامیه ونیز در نشست های شورای سران اروپا در برلین، کلن، هلسینکی، لوکزامبورگ و نیس مورد تاکید قرار گرفت هر چند که مفاد این اعلامیه با نارضایتی اسرائیل به کاسته شدن از نقش اروپا در روند سازش منجر شد.

کشورهای اروپایی در مارس ۱۹۸۴ خواهان مصالحه اعراب و اسرائیل در چارچوب سازمان ملل شدند

و در فوریه ۱۹۸۷ نیز به حمایت از برگزاری کنفرانس صلح بین المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد پرداختند. تداوم این رویکردها باعث شد تا عرفات در سفر خود به کشورهای عضو جامعه مشترک اروپا در ۱۹۸۸ از آنان به دلیل حمایت از فلسطین قدردانی کند. (Miller, 2004, pp. 144-146) او در همین سال به دنبال کنفرانس الجزایر، در پارلمان اروپا حاضر شد و در نطقی اعلام کرد حاضر است با اسرائیل براساس قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ مذاکره و تروریسم و تمامی اشکال آن رد کند. در این دوره اروپایی ها به بهره گیری از ابزار اقتصادی پرداختند و در سال ۱۹۸۲ و در اعتراض به ادامه مداخلات اسرائیل در لبنان، مذاکرات مربوط به یک پروتکل مالی با اسرائیل را که به موافقتنامه تجاری ۱۹۷۵ مربوط می شد، به حالت تعلیق درآوردند. در ۱۹۸۸ نیز پارلمان اروپا از تصویب سه پروتکل مالی بین جامعه و اسرائیل سر باز زد تا آن کشور را وادار کند به تولیدکنندگان فلسطینی اجازه صدور مستقیم محصولات کشاورزی خود را به اروپا بدهند تا آنها نیز بتوانند از تعرفه ترجیحی سود ببرند. نتیجه این فشارها، اجازه ترانزیت به این صادرات، توسط اسرائیل بود.

در مجموع به رغم بهره گیری جامعه اروپا از ابزاراقتصادی و تاکید بر رویکردهای چندجانبه گرایانه و ایفای نقش در قالب موافقت نامه های تجاری و بازرگانی در دوره جنگ سرد، با بهبود مناسبات آمریکا و شوروی، اعلام اصول موردنظر جامعه در روند صلح و اتهام اسرائیل به اروپا درخصوص جانبداری از اعراب و عدم هماهنگی کامل میان اروپایی ها موجب شد تا اروپا توفیق چندانی در روند صلح بدست نیاورد.

سیاست های اتحادیه اروپا در روند صلح خاورمیانه پس از جنگ سرد

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد موجب تغییر و تحولات وسیعی در عرصه بین المللی شد. در این میان اروپا تلاش داشت با رفع موانع حضور مستقل خود به ایفای نقش در مسایل جهانی از جمله ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه بپردازد.

نخستین اقدام در جهت آغاز روند صلح خاورمیانه پس از پایان جنگ سرد، مذاکرات صلح مادرید (۱۹۹۱) بود اما به دلیل مخالفت اسرائیل با نقش آفرینی اروپا، اتحادیه نقشی فراتر از یک ناظر در مذاکرات نیافت. این مساله با ناخرسندی اروپایی ها همراه بود چرا که از نظر آنان در حالی که اسرائیل و

کشورهای منطقه، ۷۰٪ تجارت خود را با جامعه اروپا انجام می دادند این آمریکا و شوروی بودند که بر مذاکرات مادرید اثرگذار بودند. (امامی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵)

هدایت مذاکرات صلح توسط آمریکا، اروپایی ها را بر آن داشت تا از طریق گفتگوهای چندجانبه گروه های کاری و قائل شدن نقش تعیین کننده تری در مذاکرات برای خود، به ویژه در ارتباط با همکاری های اقتصادی و امور پناهندگان، مذاکرات را پیگیری کنند. هر چند از نظر آنها عادلانه نبود که بخش عمده ای از هزینه های لازم برای بازسازی و توسعه منطقه در جریان روند صلح بر عهده اروپا باشد اما در فرآیند مذاکرات سهم رضایت بخشی نداشته باشند.

در سال ۱۹۹۳ قرارداد اسلو^۱ میان اسرائیل و ساف به امضا رسید. اروپایی ها به رغم عدم حضور رسمی در این مذاکرات، قرار داد اسلو را نوعی پیروزی برای خود قلمداد می کردند. اول در جهت اثبات فرضیه خود مبنی بر اینکه هیچ پیشرفتی در صلح حاصل نمی شود، مگر آنکه پیش از آن، دو طرف متخاصم یکدیگر را به رسمیت بشناسند. (سلامه، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸) و دوم اینکه اروپایی ها از نقش نروژ در پیشبرد مذاکرات در شرایطی که تلاش های آمریکا با مانع مواجه شده بود، احساس رضایت می کردند. قرارداد اسلو موجب شد تا اروپا که نقش بزرگترین تامین کننده مالی روند صلح را داشت در جستجوی نقش سیاسی بزرگتری در آینده برآید.

پس از آن در حالی که آمریکا موفق نشده بود اسرائیل، سوریه و لبنان را بر سر یک میز مذاکره برای همکاری گردهم آورد، اروپا در ادامه سیاست های مدیترانه ای خود که از سال ۱۹۹۲ آغاز شد، توانست این سه کشور را در قالب روند بارسلون یا اروپا-مدیترانه (۱۹۹۵) در کنار هم قرار دهد.

در اکتبر ۱۹۹۶ شورای وزیران اروپا در بیانیه ای با ابراز نگرانی عمیق از ناآرامی های غزه، اسرائیل را مسئول توقف روند مذاکرات صلح و همچنین افزایش خشونت در منطقه معرفی کرد.

نارضایتی اروپا از نقش سیاسی خود در روند صلح در مقایسه با حجم کمک های اقتصادی موجب شد تا در شورای سران اروپایی (اکتبر ۱۹۹۶) موراتینوس به عنوان نماینده ویژه اتحادیه در روند صلح خاورمیانه انتخاب شود. از جمله وظایف در نظر گرفته شده برای نماینده ویژه اتحادیه در روند صلح خاورمیانه عبارت بود از: برقراری و حفظ تماس نزدیک با کلیه طرف ها در روند صلح، انتقال پیشنهادات

^۱ - Oslo Agreement

اتحادیه به طرفین درگیر و مشارکت در امضای موافقت نامه های روند صلح به منظور ارتقای تطابق آن با نرم های اساسی دموکراسی از جمله رعایت حقوق بشر و قواعد قانونی و در نهایت نظارت بر اقدامات هر یک از طرفین که احتمالاً سبب لطمه زدن به نتایج کلی مذاکرات می گردد.

اتحادیه اروپا پس از این اقدام در چند بیانیه مهم از جمله لوکزامبورگ، مایورکا، برلین و سویل در ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲ مواضع شفاف و صریح در قبال منازعه اتخاذ و خط مشی خود را در پیگیری صلح اعلام کرد.

الف- بیانیه لوکزامبورگ

شورای اروپا در این بیانیه با حمایت از فعالیت های نماینده ویژه خود در روند صلح و تاکید بر بیانیه های فلورانس (۱۹۹۶) و آمستردام (۱۹۹۷) بر این موارد تاکید کرد: بهره گیری از نفوذ خود برای تضمین اجرای کامل توافقات متقابل طرف های اسرائیلی و فلسطینی، اجرای تعهدات گذشته و پرهیز از اقدامات زیان بار یک جانبه به ویژه در زمینه شهرک سازی و بیت المقدس، همکاری امنیتی بین اسرائیل و فلسطین، اجرای موافقت نامه های موقت و پروتکل الخلیل، توسعه اقتصادی به عنوان پیش شرط ثبات سیاسی و رفع موانع رشد اقتصادی فلسطین و حمایت از نهادهای فلسطینی در بیت المقدس شرقی، نظارت بر تحولات منطقه از طریق ابزارهای دیده بانی خود در زمینه های حقوق بشر، بیت المقدس و شهرک سازی. (شورای اروپا و فرآیند صلح خاورمیانه، ۱۳۷۷، صص ۱۷۶-۱۷۳)

در این بیانیه شورای اروپا بر آمادگی خود برای ایفای نقش در مذاکرات مربوط به وضعیت نهایی مانند کشور فلسطینی و ترتیبات مرزی-امنیتی تاکید کرد و خواهان ایفای نقش سوریه و لبنان و از سرگیری فرآیند صلح براساس اصل « زمین در برابر صلح » و اجرای کامل قطعنامه های ۲۴۲، ۳۳۸ و ۴۲۵ شورای امنیت سازمان ملل شد.

ب- بیانیه مایورکا

در بیانیه ۱۹۹۸ اتحادیه اروپا بر اصل «زمین در برابر صلح»، حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود، نگرانی از اقدامات ناقض روند صلح توسط اسرائیل تاکید و در عین حال از اسرائیل خواست تا موافقت نامه های اسلو، قاهره و الخلیل را اجرا کند. گفتنی است در سال ۱۹۹۸ کنفرانس وای ریور در واشنگتن تشکیل شد و تنها کشور انگلستان از اروپا در آن حضور داشت. اما پس از کنفرانس وای ریور،

در جهت تامین بودجه لازم برای پیشبرد توافقات موجود، اتحادیه تعهد کرد طی یک دوره ۵ ساله مبالغی کمک کند.

ج- بیانیه برلین

سران اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹ و در برلین طی بیانیه ای طرف های درگیر در خاورمیانه را به رعایت توافقات مادرید، اسلو و نیز قطعنامه های شورای امنیت فرا خواندند. در این اعلامیه که از مهمترین موضع گیری های اروپا در قبال روند صلح خاورمیانه می باشد بر اصول زیر تاکید شد: پشتیبانی از اصل «زمین در برابر صلح» و تضمین امنیت اجتماعی و فردی اسرائیلی ها و فلسطینی ها و استقبال از تصمیم مجلس ملی فلسطین در تاکید بر الغای بندهای موجود در میثاق ملی فلسطین که خواهان نابودی اسرائیل بوده است، اجرای توافقات وای ریور، عدم انجام هرگونه اقدام مخالف قوانین بین المللی از جمله شهرک سازی و مقابله با تحریک خشونت، حق دائمی و غیر مشروط فلسطینی ها در تعیین سرنوشت و از جمله انتخاب دولت، برپایی یک دولت صلح جو و دموکرات فلسطینی به عنوان بهترین ضمانت برای امنیت اسرائیل و آمادگی برای شناسایی دولت فلسطینی که دارای اصول پیش گفته باشد و شروع روند مذاکرات در حلقه سوری ولبنانی برای اجرای قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ و ۴۲۵ شورای امنیت. (بیانیه اجلاس سران اروپا درباره روند صلح و برپایی دولت فلسطین، ۱۳۷۸، صص ۱۷۴-۱۷۳) این بیانیه موجب شد تا نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل اعلام کند اروپا از شانس خود به عنوان ایفای نقش یک میانجی صادق کاسته است.

در سپتامبر ۲۰۰۰ اتحادیه اروپا بار دیگر بر حق مردم فلسطین برای تشکیل یک دولت مقتدر، دموکراتیک، خودکفا و آشتی طلب تاکید کرد و با حمایت توامان از عرفات و باراک خواهان نهایت تلاش این دو برای انعقاد توافق نامه ای تاریخی در جهت تحقق صلح خاورمیانه شد. (اعلامیه ریاست شورای اروپایی در مورد روند صلح خاور نزدیک، ۱۳۸۰، ص ۱۶۷)

با آغاز انتفاضه دوم فلسطین و به خطر افتادن روند صلح، در اکتبر ۲۰۰۰ رییس جمهور آمریکا و نمایندگان اسرائیل، مصر، اردن، حکومت خودگردان، سازمان ملل و اتحادیه اروپا در شرم الشیخ مصر گرد هم آمدند. از نتایج این نشست تشکیل کمیسیونی برای بررسی خشونت ها و ارائه راهکار جهت پایان بخشیدن به آن بود. این کمیسیون به ریاست جورج میچل سناتور پیشین آمریکا و با حضور

خاویرسولانا نماینده عالی اتحادیه، دمیرل رییس جمهور ترکیه و وزیر امور خارجه نروژ تشکیل شد و در سال ۲۰۰۱ گزارش خود را با تاکید بر لزوم اعتمادسازی مجدد میان طرفین و از سرگیری مذاکرات ارائه کرد. (Dosenrode and Stubkjaer, 2002, p.149) در آوریل ۲۰۰۱ نیز به دنبال نشست مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس بار دیگر بر اصول اعلام شده پیشین اروپا در قبال روند صلح تاکید گردید.

د- بیانیه سویل

در این بیانیه اتحادیه بر ضرورت تاسیس یک دولت فلسطینی دموکراتیک با هدف پایان اشغال اراضی ۱۹۶۷ تاکید کرد. در این موضع گیری عنوان شد نتیجه نهایی مذاکرات باید منجر به همزیستی دو دولت در کنار یکدیگر و در مرزهای شناخته شده باشد و برخوردار از روابط عادی با همسایگان خود. براساس این بیانیه اتخاذ یک راه حل عادلانه درخصوص آوارگان فلسطینی و نیز وضعیت بیت المقدس از ضرورت های صلح بود. بیانیه سویل همچنین خواستار یک کنفرانس بین المللی برای یافتن راه حل در جهت تحقق این موضوعات بود. (Everts, 2003, p. 18)

بررسی دیدگاه های اروپا در قبال روند صلح خاورمیانه از آغاز حاکی از تحول در مواضع جامعه/اتحادیه اروپا است. یعنی جامعه/اتحادیه تحت تاثیر شرایط داخلی، منطقه ای و بین المللی و نیز با گسترش همگرایی در میان اعضا، افزایش قدرت مانور در موضوعات منطقه ای و جهانی، اقدام به اتخاذ موضعی کرد که در نهایت به عنوان مبانی صلح مورد توجه بازیگران روند صلح قرار گرفت. سیر این تحول را بدین گونه می توان نشان داد: (Persson, 2009, p.14)

۱۹۷۱	۱۹۷۳	۱۹۷۷	۱۹۸۰	۱۹۹۹
اعلامیه وزرای خارج EC	اعلامیه وزرای خارج EC	اعلامیه شورای اروپایی	اعلامیه ونیز	اعلامیه برلین
اروپا قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت را در اشاره به فلسطینی ها به عنوان یک طرف در منازعه تایید می کند	اروپا حقوق مشروع فلسطینی ها را مورد شناسایی قرار می دهد	اروپا حقوق مشروع مردم فلسطین را شناسایی می کند و بر سرزمین برای مردم فلسطین تاکید می کند	اروپا حقوق فلسطینی ها در اعمال حق تعیین سرنوشت را شناسایی کرده و ساف را به مذاکرات فرا می خواند	اعلام صریح تعهد اروپا نسبت به ایجاد یک دولت فلسطینی

اتحادیه اروپا؛ فعالیت های اقتصادی در روند صلح و حمایت از ایجاد دولت فلسطینی

اروپا از یکسو از شرکای اصلی اقتصادی اسرائیل است و از سوی دیگر بزرگترین تامین کننده کمک ها به فلسطینی ها بوده است. پیش از شروع مذاکرات اسلو اقدامات اروپایی ها بیشتر جنبه اقتصادی و تجاری داشت و در دوره بین سال های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰ اتحادیه اروپا و کشورهای عضو بزرگترین کمک های مالی و فنی را به حکومت فلسطین اعطا می کردند. از نظر اتحادیه اروپا اساس این کمکها این بوده است که:

۱- فلسطینیان می توانند از حمایت روند صلح اطمینان داشته باشند و اصلاحات را از طریق توسعه اقتصادی که منجر به پیشرفت محسوسی در وضع معیشتی برای هر فرد فلسطینی می شود، دنبال کنند.

۲- ایجاد دولت فلسطینی دموکرات و پایدار، به نفع اسرائیل است.

۳- باید ضمن کاهش دشمنی بین دو ملت، از طریق ایجاد پروژه های مختلف در سطح جامعه مدنی

زمینه آشتی آنان فراهم شود. (Asseburg and..., 2003, p. 13)

بنابراین، تلاش های اقتصادی و تجاری اروپا را می توان در سه زمینه مد نظر قرار داد: اول توسعه اقتصادی در مناطق فلسطینی، دوم استقرار دولت مستقل فلسطین با حمایت های مالی و سوم حمایت از پروژه های همکاری «جامعه مدنی اسرائیلی-فلسطینی»^۱

علاوه بر این کمک های اروپا چندین هدف عمده از جمله اجرای پروژه های زیربنایی در قلمرو فلسطین را دنبال می کرد. مانند شبکه های جاده ای، لوله کشی آب، بندر و فرودگاه غزه و همچنین مدارس و بیمارستان ها. اما تلاش اروپا برای توسعه اقتصادی فلسطین به دلیل مانع تراشی های اسرائیل با موفقیت همراه نبود. ضمن آنکه انتفاضه دوم و واکنش شدید اسرائیل به آن، منجر به شکست بزرگی در توسعه اقتصادی و استاندارد سازی زندگی فلسطینی ها شد. اشغال مجدد برخی مناطق از قلمرو فلسطینی، منع عبور و مرور های شبانه و تعطیلی های داخلی منجر به شکست کامل فعالیت های اقتصادی، بیکاری جمعی، فقر و وابستگی به کمک های خارجی شد. در این مرحله اروپا اقدام به جایگزین کردن کمک های بشردوستانه و برنامه های اورژانسی به جای کمک های توسعه ای کرد. در حقیقت «با وسعت دادن کمک های اورژانسی و بشر دوستانه به فلسطینی ها، اتحادیه اروپا وظایف جبران هزینه های سنگین تحمیلی توسط قدرت اشغالگر - اسرائیل - را عهده دار گردید.» (Asseburg and..., 2003, p.13)

همچنین پس از مذاکرات اسلو، حجم زیادی از کمک اروپایی ها با هدف تاسیس دولت دموکراتیک و مستقل در فلسطین دنبال شد. بودجه مستقیم اتحادیه اروپا برای ایجاد و استقرار اصول حقوقی دولت فلسطینی حائز اهمیت فراوان است. از سال ۱۹۹۸ تشکیلات خودگردان فلسطینی توانست تحت شرایط پروتکل اقتصادی پاریس بودجه لازم را برای اداره خود از طریق مالیات ها، عوارض گمرکی و... تامین کند. اما انتفاضه دوم و سقوط اقتصاد فلسطین و شکست توسعه اقتصادی در کنار از بین رفتن درآمد حاصل از مالیات ها و عوارض گمرکی، حکومت فلسطین را در آستانه فروپاشی قرار داد. از این رو اتحادیه اروپا برای ممانعت از فروپاشی حکومت فلسطین پرداخت هزینه های آن را به صورت ماهانه متقبل شد.

اتحادیه اروپا حمایت خود برای ایجاد دولت فلسطین را بر این مبنا می دانست که یک دولت

^۱ -Israeli-Palestinian Civil Society.

فلسطینی دموکراتیک بهترین ضمانت برای اسرائیل و پذیرش آن به عنوان یک همتا در منطقه می باشد. این امر صراحتاً در بیانیه مارس ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا در برلین قید شده بود. برای تحقق این امر اتحادیه اروپا دو کار عمده انجام داد: یکی کمک به برپا ساختن ادارات دولتی فلسطین، مجلس قانونگذاری، آموزش پلیس حکومت خودگردان، رسانه ها و... و دیگری که امری مهم در راستای مشروعیت بخشیدن به حکومت فلسطین ارزیابی شد، حمایت های فنی و اعزام ناظران برای اولین انتخابات در سال ۱۹۹۶ بود.

راه حل های چندجانبه گرایانه اروپا برای روند صلح

اتحادیه اروپا اعتقاد دارد برای پیشبرد و تحقق صلح باید محیطی برای صلح پایدار در منطقه ایجاد شود. از این رو ناکامی در پیشبرد صلح از طریق اقدامات تجاری و اقتصادی ناشی از عدم ایجاد دوستی میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها و سیاست های مبتنی بر سرکوب رژیم اسرائیل که توسعه اقتصادی در فلسطین را با شکست مواجه کرد، اتحادیه را در راستای تمایل گذشته به ایفای نقش سیاسی در کنار نقش اقتصادی مجاب تر کرد. چرا که اگر یک روند صلح واقعی وجود نداشته باشد کمک های اقتصادی و توسعه اقتصادی گره صلح را باز نمی کند. به این دلیل اروپا تلاش کرد با توجه به ضعف موقعیت خود در برابر آمریکا در روند صلح خاورمیانه رویکردهای چندجانبه را دنبال کند. از این رو اروپا تلاش هایش در جهت ایجاد موازنه منطقه ای و جستجو برای راه حل های چندجانبه در کنار حمایت برای استقرار دولت فلسطین را دوچندان کرد.

درخصوص اقدامات اروپا برای موازنه منطقه ای و یافتن راهکارهای چندجانبه و چندملیتی باید گفت اتحادیه در چند چارچوب اصلی فعال بوده است که ابتکار عمل در دو مورد اول، در اختیار اروپا بود:

- ۱- همکاری های اروپا-مدیترانه ای^۱ یا روند بارسلون^۲.
- ۲- «گروه کاری توسعه اقتصادی منطقه ای»^۳ براساس مذاکرات مادرید.

^۱ - EMP :Euro-Mediterranean Partnership.

^۲ - Barcelona Process

^۳ - REDWG: Regional Economic Development Working Group.

۳- ایفای نقش سازمان ملل

۴- نقشه راه صلح.

الف- همکاری های اروپا- مدیترانه ای

اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۲ سیاست مدیترانه ای خود را با چند اقدام آغاز کرد: افزایش منابع مالی کشورهای حوزه مدیترانه (کمک های بلاعوض مالی، دریافت وام از بانک سرمایه گذاری اروپا)، افزایش همکاری ها در خصوص موضوعات جدید منطقه ای و تدوین یک رژیم اقتصادی و تجاری برای کشورهای حوزه مدیترانه و انطباق کشورهای منطقه با آن (شهریاری، ۱۳۸۰، ص ۵۱). این برنامه مشارکت در نوامبر ۱۹۹۵ در بارسلون و با کنفرانس وزرای امور خارجه ۱۵ کشور اتحادیه اروپا و ۱۲ کشور حوزه مدیترانه شکل واقعی به خود گرفت.

هدف عمده اتحادیه اروپا از این همکاری ها، دسترسی به بازارهای این حوزه، افزایش سطح رفاه منطقه و در نهایت حفظ تمامیت و افزایش سطح رفاه چه اجتماعی و چه امنیتی برای خود بود. در این راستا اتحادیه اروپا کمک های مالی معینی را به حکومت خودگردان و کشورهای سوریه، لبنان و اردن اعطا کرد. در این بین اسرائیل به دلیل سطح بالای تولید ناخالص داخلی، از دریافت کمک های اتحادیه اروپا محروم ماند.

مشارکت اروپایی-مدیترانه ای از ابتدا به عنوان یک چارچوب برای حل مناقشه خاورمیانه در نظر گرفته نشده بود. اما این همکاری ها بیشتر به عنوان مکمل روند صلح خاورمیانه طراحی شد و سعی بر این بود که دو طرف را در زمینه های سیاسی، اقتصادی، انسانی و امنیتی قادر به اعتماد و رسمیت بخشیدن به روابط شان کند. در این مشارکت باز به پیش فرض اروپا برای صلح بر می خوریم: «این شراکت با آماده کردن شالوده ها برای توسعه اقتصادی و اتحاد منطقه ای، هدف بنای صلح و توازن منطقه ای بلند مدت را تامین می کند.» (Asseburg and..., 2003, p.16)

روند بارسلون توانست پیشرفت هایی را در روند صلح خاورمیانه بوجود آورد؛ حضور حکومت فلسطین به عنوان یکی از شرکای برابر در این روند، و در مقابل حضور و پذیرش اسرائیل به عنوان یک شریک دیگر توسط اعراب عضو. اما این موضوع به شناسایی طرفین منجر نشد و حتی پس از سرکوب خشونت بار انتفاضه فلسطین از سوی اسرائیل، نشست های سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ از سوی سوریه و لبنان تحریم

شد. عدم تعادل میان قدرت نظامی و اقتصادی اسرائیل با همسایگانش از جمله دلایل مهم در عدم توفیق روند بارسلون همچون روند مادرید و اسلو بود.

به دنبال تعمیق روابط دوجانبه میان اروپا و کشورهای خاورمیانه و در ادامه همکاری های اروپا-مدیترانه ای، اروپا به پیگیری سیاست همسایگی^۱ پرداخت. هدف اعطای امتیازها از سوی اروپا به کشورها در قبال اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود. اسرائیل و فلسطین در سال ۲۰۰۵ به این برنامه پیوستند و تا زمان تعلیق روابط اروپا و فلسطین با به قدرت رسیدن حماس، این برنامه تداوم داشت. از جمله اهداف این برنامه در قبال دو طرف درگیر در منازعه خاورمیانه، تشویق آنها به پیگیری مذاکرات بود. (European Union Center of Excellence, 2008, p.4)

ب- روند مادرید: گروه کاری توسعه اقتصادی منطقه ای

بر اساس مذاکرات صلح مادرید پنج گروه کاری در زمینه های مختلف با هدف یافتن راه حل هایی برای حل مشکلات عمده خاورمیانه تشکیل شد. اتحادیه اروپا مسئولیت یکی از پنج گروه کاری یعنی «گروه کاری توسعه اقتصادی منطقه ای» را عهده دار شد و دبیرخانه دائمی آن را در امان پایتخت اردن مستقر ساخت. هدف این گروه کاری یکپارچگی اقتصادی منطقه ای و خودکفایی آن از طریق حمایت فنی و تجاری برای این اهداف بود.

ج- ایفای نقش سازمان ملل

کشور های اروپایی با آگاهی از قدرت نابرابر خود با آمریکا به عنوان قدرت مسلط در روند صلح تلاش داشتند تا سیاست های خود را علاوه بر چارچوب اتحادیه اروپا از طریق سازمان ملل متحد پیگیری کنند چرا که معتقدند سازمان ملل و ارکان آن چون دیوان بین المللی لاهه از مولفه های دستیابی به صلح و امنیت جهانی هستند. به همین واسطه از آغاز منازعه خواهان ایفای نقش جدی سازمان ملل و یا برگزاری کنفرانس های صلح بین المللی با نظارت سازمان ملل بودند. تاکید مکرر اتحادیه بر لزوم اجرای قطعنامه های شورای امنیت، مشارکت سازمان ملل در روند صلح، تشکیل کمیته حقیقت یاب بین المللی از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و حمایت از رای مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در محکومیت ساخت دیوار حائل از جمله اقدامات اروپا در چارچوب سازمان ملل می باشد. به طور مشخص

^۱ - ENP: European Neighborhood Policy

در خصوص ورود سازمان ملل به موضوع دیوار امنیتی، تمامی ۲۵ کشور عضو اتحادیه در تایید رای دیوان بین المللی لاهه که این دیوار امنیتی را غیرقانونی خواند، به قطعنامه مجمع عمومی رای مثبت دادند. تلاش اروپا برای افزایش نقش سازمان ملل در روند صلح به رغم مخالفت اسرائیل در حالی است که اسرائیل نگاه مثبتی به نقشه خود اتحادیه اروپا در این روند نداشت. البته اروپا سعی دارد در چارچوب رویکرد چندجانبه گرایانه خود از طریق سازمان ملل به ایفای نقش خویش و سیاست های خاورمیانه ای اش که مورد پذیرش اکثریت اعضای ملل متحد است، مشروعیت دهد. (آقاعلیخانی، ۱۳۸۸، صص ۱۰۲-۹۹) هر چند که ایالات متحده با بهره گیری از حق وتو توانسته است مانع از نقش آفرینی سازمان ملل در روند صلح شده و از ایجاد هرگونه تعهدی برای اسرائیل در شورای امنیت جلوگیری کند. به خصوص اینکه پس از مشارکت سازمان ملل در نقش راه صلح، بسیاری از قطعنامه های شورای امنیت در قبال منازعه خاورمیانه از سوی آمریکا با توجیه ممانعت از لطمه به روند نقشه راه، بلوکه شده است.

د- نقشه راه صلح

نتیجه اجلاس گروه چهارگانه^۱ در سال ۲۰۰۲ با حضور آمریکا، اتحادیه اروپا، سازمان ملل و روسیه، طرح نقشه راه صلح بود. این طرح، صلح کامل و استقرار دولت فلسطینی را تا سال ۲۰۰۵ پیش بینی می کرد. نقشه راه صلح از نظر اروپایی ها موفقیتی دیگر برای آنان بود. چرا که در پیشبرد دیدگاه خود مبنی بر نیاز به یک برنامه مشخص برای دستیابی به صلح، موفق بود. هر چند طرح اولیه نقشه راه از سوی ایالات متحده ارایه شد، اما تاکید بر وجود عنصر «زمانبندی دقیق»، اصرار بر تعهدات الزام آور دو طرف و تاکید بر مسایلی چون حقوق بشر در طرح نهایی آن، نقش عمده این اتحادیه را در «نقشه راه» نشان می دهد.

گروه چهارگانه در راستای نقشه راه و در فاز اول خواهان مقابله فلسطینی ها با خشونت، از سرگیری همکاری های امنیتی و اصلاحات سیاسی در درون خود بودند و در مقابل اسرائیل می بایست مناطق اشغالی سپتامبر ۲۰۰۰ را ترک و شهرک سازی ها را متوقف می کرد. در فاز دوم دولت فلسطینی با مرزهای مشروط شکل می گرفت و در فاز نهایی نیز طرفین به یک توافق دائمی و جامع برای پایان منازعه می رسیدند. (Migdalovitz, 2006, p.15)

^۱ - Quartet

از جمله موضوعات مورد تاکید در این طرح رعایت اصل «زمین در برابر صلح»، رعایت قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ و ۱۳۹۷ شورای امنیت، مدنظر قرار دادن درگیری های سوریه-اسرائیل و لبنان-اسرائیل در راه دستیابی به صلح پایدار بود.

از مهم ترین نشست های کمیته چهارجانبه به اجلاس این گروه در ماه مه ۲۰۰۴ در مقر سازمان ملل می توان اشاره کرد. پاول وزیر امور خارجه آمریکا، کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل، سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه و خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا در این نشست شرکت داشتند. اعضای گروه پس از چند دور مذاکره بیانیه ای صادر و در جهت اجرایی شدن نقشه راه بر «تشکیل یک دولت مستقل و مردم سالار فلسطینی در کنار دولت اسرائیل تاکید کردند». از جمله مفاد این بیانیه؛ انجام اقدامات لازم بر اساس قطعنامه ۱۵۱۵ شورای امنیت، توقف شهرک سازی ها، مقابله طرف فلسطینی با اقدامات جهادی علیه اسرائیل، جلوگیری اسرائیل از تلفات غیرنظامیان در حق دفاع مشروع، «نگرانی عمیق» نسبت به مسیر واقعی دیوار حائل و... بود. ارزیابی این بیانیه و نحوه پیشبرد نقشه راه تاثیر و اعمال آشکار سیاست های ایالات متحده بر فعالیت های کمیته چهارجانبه را عیان می سازد. به عنوان نمونه در حالی که اتحادیه اروپا احداث دیوار حایل را محکوم و آن را غیرقانونی می دانست، در این بیانیه همراه با آمریکا و روسیه «نگرانی عمیق» خود را آنهم نسبت به مسیر دیوار و نه ماهیت آن ابراز می دارد. به عبارت دیگر آمریکا از طریق چارچوب گروه چهارجانبه نسبت به کنترل نحوه مشارکت و «تعدیل» مواضع اعضای آن به عنوان یک سیاست در جهت جلوگیری از ایجاد فشار بر علیه اسرائیل اقدام می کرد. با این حال به رغم جدیت اروپا در پیگیری نقشه راه، ایالات متحده بعضا با اتخاذ برخی سیاست ها و یا حمایت از برخی اقدامات اسرائیل -مانند حمایت از طرح عقب نشینی یکجانبه شارون- عملا در نقطه مقابل آن قرار می گرفت.

تاکید اروپایی ها بر لزوم اجرای این طرح در مقابل طرح هایی چون «خاورمیانه بزرگ» که از سوی آمریکا ارایه شد تاکید دیگری بر این مدعاست. در حالی که آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ ایجاد ثبات و امنیت در خاورمیانه را از طریق «اصلاحات و دموکراتیزه کردن خاورمیانه» میسر می دانست، فرانسه و آلمان برای جلوگیری از تضعیف جایگاه اروپا در خاورمیانه طرحی با نام «طرح مرحله ای مشارکت استراتژیک بین اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه دریای مدیترانه و خاورمیانه» را در برابر طرح خاورمیانه

بزرگ مطرح کردند که پیش شرط هرگونه اصلاحات در خاورمیانه را به پایان بخشیدن منازعه فلسطینی-اسرائیلی منوط ساخته بود و در آن تاکید شده بود «نقشه راه» باید اساس صلح در خاورمیانه باشد.

در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ نیز اروپا بر پیگیری صلح در چارچوب نقشه راه تاکید کرد. در اعلامیه شورای اتحادیه در سال ۲۰۰۶ اروپا از گروه چهارجانبه دعوت کرد تا تلاش ها جهت تداوم مذاکرات میان اسرائیل و فلسطین برای رسیدن به یک راه حل جامع در منازعه خاورمیانه را افزایش دهد. از نظر اتحادیه این راه حل جامع باید شامل توافق با سوریه و لبنان و عادی سازی روابط تمام کشورهای عرب با اسرائیل می شد و راهکار تحقق آن نیز وارد کردن تمام بازیگران به مذاکرات صلح در چارچوب نقشه راه عنوان گردید. (European Union Committee, 2007: pp. 34-35) در ژوئن ۲۰۰۷ تونی بلر نخست وزیر پیشین انگلیس به عنوان نماینده ویژه کوارتت در خاورمیانه انتخاب شد. انتخاب او با استقبال اسرائیل و حکومت خودگردان و انتقاد حماس همراه بود. او در مارس ۲۰۰۹ برای اولین بار با هماهنگی حماس برای بررسی وضعیت غزه پس از جنگ با اسرائیل به این منطقه رفت اما در این بازدید ملاقاتی با مقامات حماس نداشت. چرا که بلر در گفتگویی تاکید کرده بود تا هنگامی که حماس خشونت را نمی نکند و کشور اسرائیل را به رسمیت نشناسد گفتگویی با این گروه صورت نخواهد گرفت.

محدودیت ها و فرصت های اتحادیه اروپا در روند صلح

مشارکت اتحادیه اروپا در روند صلح خاورمیانه از آغاز تاکنون با محدودیت ها و فرصت هایی همراه بوده است. به عبارت دیگر از یکسو این اتحادیه در پیشبرد سیاست های خود بواسطه دلایل درونی و بیرونی با محدودیت هایی مواجه بوده است و از سوی دیگر به واسطه عدم مواجهه با محدودیت هایی که برای دیگر بازیگران نظیر آمریکا وجود دارد، توانسته فرصت هایی در ایفای نقش پیدا کند. مشکل عمده این اتحادیه در ایفای نقش سیاسی در روند صلح خاورمیانه به بی اعتمادی عمیق اسرائیل نسبت به اروپا باز می گردد. صدور بیانیه هایی که در آن اتحادیه اروپا مواضع خود را به طور صریح در قبال منازعه اعلام کرده بود و موجب اتهام جانبداری از اعراب توسط اسرائیل شد، از دلایل مهم این بی اعتمادی است. چرا که مواضع اروپا در تاکید بر مشارکت تمامی طرف های درگیر، رعایت

حقوق بشر، مشارکت سازمان ملل و مانند اینها نقطه مقابل خواست اسرائیل است. در همین رابطه در اکتبر ۲۰۰۴ گزارش محرمانه دولت اسرائیل درباره جایگاه آتی اتحادیه اروپا در عرصه بین المللی و تاثیر آن بر سیاست های این دولت و منازعه فلسطینی-اسرائیلی، منتشر شد. این گزارش، آینده موقعیت جهانی اسرائیل را در پرتو این فرض تحلیل کرده بود که اتحادیه اروپا موفق شود با کنار گذاشتن اختلاف نظرهای خود سیاست خارجی واحدی را دنبال کند. از نظر این گزارش در صورت تحقق این امر، اتحادیه اروپا بسیار قدرتمندتر و صاحب نفوذ تر خواهد شد و در نتیجه قدرت ایالات متحده را که متحد اصلی اسرائیل است، کمرنگ می کند. تحلیلگران اسرائیلی نتیجه گیری کردند که چنین تحولی برای اسرائیل «بسیار بد» است. چرا که یک اروپای قدرتمند تر ممکن است تقاضای بیشتری از اسرائیل برای پیروی از کنوانسیون های بین المللی داشته باشد و ممکن است آزادی عمل اسرائیل را در مناقشه با فلسطینی ها محدود کند. (پلت، ۲۰۰۴)

نمونه دیگر از بی اعتمادی اسرائیل به اروپا را می توان در واکنش به نتایج منفی برخی از نظر سنجی ها در اروپا نسبت به اسرائیل مشاهده کرد. در این نظرسنجی ها مردم کشورهای مختلف اروپا اسرائیل را تهدیدی برای صلح جهانی قلمداد می کردند. (Archick, 2005, p.11) به رغم واکنش منفی اسرائیل، مقامات اروپا این نظرسنجی ها را انعکاس موضع اتحادیه در قبال مناقشه خاورمیانه نمی دانستند.

از دیگر مشکلات ایفای نقش اروپا در منطقه خاورمیانه و روند صلح آن این است که علیرغم همگرایی و انسجام قابل توجه شکل گرفته در اتحادیه، برخی از سیاست ها با حمایت کلیه کشورها همراه نمی شود. ضمن اینکه مخالفت ایالات متحده به عنوان قدرت مسلط در روند صلح با ورود بازیگران و قدرت های جدید در صحنه تحولات خاورمیانه به ویژه روند صلح آن در جهت جلوگیری از برهم خوردن موازنه به نفع اسرائیل قابل انکار نیست. فقدان مکانیسم های مؤثر CFSP، اهمیت محدود نظامی اروپا و اجتناب از واژگون کردن اتحاد فرآتلانتیکی و ناتو از دیگر موضوعاتی است که موجب حرکت آرام اروپا در اجرای سیاست های خویش می باشد.

همچنین به رغم تعهدات اروپا نسبت به اسرائیل، از آنجه که این اتحادیه نمی تواند همانند آمریکا امنیت اسرائیل را تضمین کند، در مقایسه با ایالات متحده در اعمال سیاست ها نسبت به این رژیم با محدودیت هایی مواجه است.

در نقطه مقابل یک عامل مهم که سیاست اروپا در حمایت از فلسطینی ها را با مانع مواجه نمی کند، آزادی عمل این اتحادیه نسبت به نبود لابی های صهیونیستی قدرتمند و نیز تاکید آن بر دموکراسی، حقوق بشر و حقوق بین الملل و بالتبع حمایت افکار عمومی خویش از سیاست های خود بوده است. اروپایی ها نه تنها از فشار لابی های یهود فراغت دارند، بلکه اقلیتی از مسلمانان را در دل خود جای داده اند. اینان در راستای منافع اقتصادی خود به سوی اعراب گرایش یافتند و نگاهشان به منطقه، نگاهی «امنیتی» و «اقتصادی» است. نزدیکی به خاورمیانه و تاثیر بحران های این منطقه بر اروپا و تجارب تاریخی گذشته موجب شده تا اروپا مداخله در این منطقه را نه یک ضرورت، بلکه «حق» خود بداند. اما هنری کیسینجر معتقد است به ندرت کشورهای اروپایی برای ایفای «نقش میانجی»، بیطرف و منصف هستند. چرا که «متحدان اروپایی آمریکا، در پی حفظ منافع خود در جهان عرب و جهان اسلام هستند و این منافع، از روابط آنها با اسرائیل ارزش بسیار بیشتری دارد؛ به همین دلیل در مورد مساله خاورمیانه از ایالات متحده و اسرائیل فاصله می گیرند.» (کیسینجر، ۱۳۸۱، ص ۳۰۲) هر چند تحولات سال های اخیر پس از وقایعی چون ۱۱ سپتامبر، به قدرت رسیدن حماس و... موجب شد تا اروپا در موضع گیری های خود بیش از گذشته به حفظ توازن در روابط با طرفین منازعه توجه کند. در کنار این موضوعات رفع محدودیت های ناشی از شرایط نظام دوقطبی موجب شده تا اتحادیه در چارچوب منافع خویش و نیز نرم های مورد تاکید خود، استقلال عمل بیشتری در سیاست هایش داشته باشد.

مواضع اتحادیه اروپا در قبال موضوعات مورد مناقشه

سه مشکل عمده که مذاکرات صلح را به چالش کشیده و تاکنون زمینه شکست آن را فراهم کرده است، شامل موضوعات وضعیت نهایی^۱ است یعنی: اراضی اشغالی ۱۹۶۷، وضعیت شهر بیت المقدس و حق بازگشت آوارگان فلسطینی^۲ به خانه های خود.

الف- اراضی اشغالی ۱۹۶۷ و مرزهای کشور فلسطینی

از زمان آغاز ایفای نقش رسمی اروپا در قبال تحولات خاورمیانه در نوامبر ۱۹۷۳ در کپنهاگ این

^۱ - Final Status Issues

^۲ - palestinian Right of Return

اتحادیه سیاست های روشن و مشخصی در قبال اراضی اشغالی ۱۹۶۷ دنبال کرد و این موضع را در اعلامیه های دیگر و در چارچوب نقشه راه تکرار کرد. یعنی صلح بر مبنای عدم پذیرش الحاق سرزمین ها به زور و لزوم اجرای کامل قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، حاکم بودن مفاد کنوانسیون چهارم ژنو بر بیت المقدس و اشغالی بودن اراضی اشغال شده پس از ۱۹۶۷ با استفاده از نیروی نظامی از جمله ارتفاعات جولان، کرانه های باختری و بیت المقدس شرقی.

از دیگر موضع گیری های عملی اروپا در قبال اراضی ۱۹۶۷ درخواست ماه مه ۱۹۹۸ کمیسیون اروپا از اتحادیه بود تا کالاهای اسرائیلی تولید شده در سرزمین های اشغالی ۱۹۶۷ از تسهیلات گمرکی این اتحادیه مستثنی شود. این اقدام اعتراض شدید اسرائیل را همراه داشت چرا که از نظر آنها رفتار اروپا به منزله تصمیم گیری در خصوص مرزهای آینده اسرائیل (و فلسطین) بوده است. (تسهیلات تجاری اتحادیه اروپا برای اسرائیل، ۱۳۸۳، ص ۲۳) در سال ۲۰۱۰ نیز دادگاه عالی اتحادیه اروپا اعلام کرد تولیدات اسرائیل در شهرک های ساخته شده در کرانه باختری نمی تواند به عنوان کالای اسرائیلی از بخشودگی حقوق گمرکی در بازار اروپا براساس توافق اروپا و اسرائیل برخوردار شود. (Haaretz, 2010) بر اساس دیدگاه اروپا کشور آینده فلسطینی باید در مرزهای شناخته شده و امن تشکیل شود و این نیازمند خروج اسرائیل از اراضی اشغالی ۱۹۶۷ و براساس قطعنامه های ۲۴۲، ۳۳۸، ۱۳۹۷ و ۱۵۱۵ شورای امنیت و اصول روند مادرید است.

ب- شهرک های اسرائیلی و بیت المقدس

اتحادیه اروپا بارها بر اساس حقوق بین الملل مخالفت خود را با شهرک سازی در مناطق اشغالی و بیت المقدس به علت «غیر قانونی» بودن آن اعلام و سیاست شهرک سازی را یک «مانع» فزاینده و تهدید برای استقرار صلح در منطقه می داند. این موضوع در تمامی بیانیه های اتحادیه در قبال منازعه خاورمیانه و به طور صریح در بیانیه سپتامبر ۲۰۰۹ اروپا در خصوص تداوم شهرک سازی ها و نیز پاسگاه های بر پا شده از مارس ۲۰۰۱ اعلام شده است.

(Declaration by the Presidency on behalf of the EU on Israeli Settlements, 2009)

اروپا ضمن حمایت از نهادسازی در بیت المقدس شرقی در زمینه های سلامت، آموزش، امور قضایی و... معتقد است مذاکرات صلح باید شامل حل و فصل نهایی وضعیت بیت المقدس باشد.

ج- آوارگان فلسطینی

مساله آوارگان فلسطینی یکی از موضوعات مورد علاقه اروپا بوده است. چرا که آنان از ابتدا بزرگترین کمک کننده به برنامه های کارگزاری امداد و کارایی سازمان ملل^۱ در امور آوارگان فلسطینی بوده اند و پس از آن نیز به ایفای نقش رسمی در گروههای پنج گانه کاری مربوط به روند مادرید پرداختند که یکی از این کمیته ها مسایل آوارگان را دنبال می کرد. همچنین در بیشتر بیانیه های صادر شده از سوی اتحادیه بر حل و فصل این معضل و حق بازگشت آنان در چارچوب قطعنامه های سازمان ملل تاکید شده است. هر چند موضع کلی اتحادیه، بازگشت آوارگان به سرزمین های اشغالی ۱۹۶۷ می باشد اما اروپا معتقد است معضل آوارگان مساله ای بسیار مهم است که باید به صورت عادلانه و پایدار در چارچوب مذاکرات و توافقات « وضعیت نهایی » میان طرفین فیصله یابد.

د- امنیت

اتحادیه اروپا ضمن تعهد نسبت به امنیت اسرائیل، حق اسرائیل در حفاظت از شهروندانش را در قبال حملات احتمالی تایید می کند اما در عین حال تاکید دارد «اسرائیل در اعمال این حق باید در چارچوب حقوق بین الملل عمل کند.» (European Union External Action) اروپا همچنین ضمن توصیه به فلسطینی ها برای افزایش تدابیر امنیتی برای مقابله با حمله به اسرائیلی ها، به طور رسمی در برنامه های مربوط به توسعه و آموزش نیروی پلیس فلسطین مشارکت داشته است.

کشور مستقل فلسطینی

تا دهه ۸۰ کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا یک سرزمین فلسطینی را برای فلسطینی ها تایید کرده بودند اما هنوز سازمان آزادیبخش فلسطین را به رسمیت نمی شناختند. برای اولین بار در ژوئن ۱۹۸۰ در چارچوب اعلامیه ونیز، جامعه اروپا بر حضور «ساف» در هر مذاکره، تاکید کرد. اتحادیه همواره بر لزوم احقاق حق مردم فلسطین در قالب «سرزمین فلسطینی» تاکید می کند. در دهه ۹۰ و پس از آن اروپا که در جستجوی نقش سیاسی بیشتری در مذاکرات صلح بود در بیانیه های مختلف نه تنها خواهان

^۱ - UNRWA: United Nations Relief and Works Agency

ایفای نقش در مذاکرات مربوط به وضعیت نهایی از جمله کشور فلسطینی شدند (بیانیه لوکزامبورگ ۱۹۹۷) بلکه بر حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود و ایجاد کشور مستقل فلسطینی تاکید می کرد. البته همانگونه که پیش از این گفته شد از نظراتحادیه ایجاد دولت دموکرات، مقتدر، آشتی طلب و پایدار فلسطینی، به نفع اسرائیل است به همین دلیل ضمن تاکید مکرر « بر حق دائمی و غیر مشروط فلسطینی ها در تعیین سرنوشت و از جمله انتخاب دولت» همچون آمریکا خواهان الغای برخی از بندهای میثاق ملی فلسطین در ضدیت با اسرائیل بودند.

اتحادیه اروپا تلاش برای استقرار دولت فلسطینی را نه فقط در بیان مواضع سیاسی بلکه در اقدامات عملی مانند کمک به برپایی ادارات دولت فلسطینی، مجلس قانونگذاری، آموزش پلیس و تخصیص بودجه مستقیم برای ایجاد و استقرار اصول حقوقی دولت فلسطینی دنبال می کرد. میزان کمک های اروپا (شامل اتحادیه و کشورهای عضو) به تشکیلات فلسطینی طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ شامل ۲۱۱/۶۶، ۲۴۷/۷۱، ۳۵۷/۹۸، ۳۹۴/۰۹، ۴۱۶/۱۵، ۴۷۵/۹۲ میلیون دلار، در سال ۲۰۰۶ ۶۸۰ میلیون یورو (European Union Committee, 2007, p. 39) و در سال ۲۰۰۷ نیز ۱ میلیارد یورو بوده است.

عمده تلاش اتحادیه اروپا در تشکیل دولت مستقل فلسطینی در چارچوب «نقشه راه» با همکاری ایالات متحده، روسیه و سازمان ملل متحد بوده است هر چند که اتحادیه در زمان حیات عرفات، به حمایت جدی از او می پرداخت و تهدیدات اسرائیل علیه عرفات را محکوم می کرد اما همراه با آمریکا از اصلاحات در تشکیلات خودگردان حمایت می کرد.

علاوه بر اقدامات پیش گفته اروپا در جهت برپایی دولت فلسطینی، اتحادیه اروپا در چارچوب سیاست دفاعی و امنیتی خود^۱ دو اقدام در قبال فلسطینی ها انجام داد. اول راه اندازی دفتر هماهنگی اروپایی برای کمک به پلیس فلسطین^۲ در راستا همکاری های امنیتی و دیگری ایفای نقش طرف سوم به دنبال توافق فلسطینی ها با اسرائیل از طریق اعزام یک هیات ناظر^۳ جهت نظارت و کنترل مرزهای فلسطین در مرز غزه- رفح بود. (European Union Committee, 2007: p. 45) هر چند این دو

^۱ - ESDP: European Security and Defence Policy

^۲ - EUPOL COPPS: European Coordinating Office for Plestinian Police Support

^۳ - EUBAM : European Border Assitance Mission - Rafah

همکاری با پیروزی حماس در انتخابات متوقف شد.

اتحادیه اروپا و حماس

با تشکیل حماس، این گروه ارتباط هایی را با برخی از کشورهای اروپایی برقرار کرد. اتحادیه نیز بی میل نبود تا بتواند با تمام بازیگران منازعه خاورمیانه برای افزایش حضور خود مرتبط باشد. حتی زمانی که آمریکا انتقادات شدیدی از اروپا به دلیل تداوم مذاکرات با حماس و یا سکوت در قبال جمع آوری کمک مالی در کشورهای عضو این اتحادیه ابراز می کرد، استدلال اروپا این بود که پیشرفت صلح تنها با گفتگو با «تمامی» طرفین منازعه میسر است. اما با تداوم فشارهای آمریکا و اسرائیل، اتحادیه اروپا شاخه نظامی حماس یعنی «گردان های عزالدین قسام» را در فهرست سازمان های تروریستی قرار داد. علیرغم این مساله ارتباط با شاخه سیاسی حماس همچنان در دستور کار اتحادیه اروپا قرار داشت. به همین جهت در گفتگوهای سال ۲۰۰۲ نمایندگان اروپا با گروههای فلسطینی بر سر متوقف کردن حملات انتحاری علیه غیر نظامیان اسرائیل، حماس یکی از طرف های اتحادیه بود. به رغم اظهارات سخنگوی اتحادیه اروپا در ژوئن سال ۲۰۰۳ مبنی بر اینکه «نمی توانید بگویید که کل حماس سازمان تروریستی است و قطعا این امر نیز دیدگاه ما نیست» (بولتن ویژه، ۱۳۸۳، ۳۶)، تحت فشارهای ایالات متحده و دولت اسرائیل، وزیران خارجه اتحادیه اروپا در سپتامبر ۲۰۰۳ و طی نشست خود در ایتالیا دیدگاه خود را تغییر و شاخه سیاسی حماس را نیز در فهرست گروههای تروریستی قرار داد. به دنبال این اقدام، برای اولین بار کشورهای عضو اتحادیه کلیه دارایی ها و حساب های این گروه را مسدود کردند. البته از دیگر دلایل این اقدام توقف مذاکرات خاور سولانا با مقامات اسرائیلی به دلیل ۲ تقاضای اسرائیل بود: اول قطع رابطه با عرفات در جهت تقویت محمودعباس و دوم اعلام ماهیت تروریستی شاخه سیاسی حماس. پس از اقدام اتحادیه اروپا، مسئول سیاست خارجی اروپا از حماس خواست تا ضمن متوقف کردن فعالیت های نظامی خود به یک حزب سیاسی تبدیل شود. در همین زمان مذاکرات مخفی میان نمایندگان اتحادیه اروپا و گروه حماس بر سر کشاندن آنها به پای میز مذاکرات در جریان بود. اتحادیه اروپا به رغم تروریستی دانستن گروه حماس ترور رهبران آن از جمله شیخ احمد یاسین و عبدالعزیز رنتیسی را به شدت «محکوم» کرد و در فوریه ۲۰۱۰ نیز وزرای امور خارجه اروپا در بروکسل

به «انتقاد» از ترور محمود المبحوح یکی از فرماندهان حماس در دبی پرداختند.

اروپا و روند صلح پس از به قدرت رسیدن حماس

پس از قرارداد حماس در فهرست گروه های تروریستی اروپا، اتحادیه عنوان کرد راه برای بازگشت حماس از طریق تبدیل شدن به یک حزب سیاسی همچنان باز است. اما پیروزی حماس در انتخابات سال ۲۰۰۶ به یک معضل عمده برای اروپا بدل شد. اروپایی ها همواره بر هنجارهایی چون دموکراسی و حق تعیین سرنوشت تاکید می کردند. بزرگترین حامی دولت فلسطینی بودند اما با به قدرت رسیدن گروهی در انتخابات دموکراتیک مواجه شدند که آن را تروریستی می دانستند. از این رو اتحادیه سه شرط برای تداوم رابطه با دولت فلسطین اعلام کرد: اول دوری جستن حماس از خشونت، دوم شناسایی حق حیات اسرائیل و در نهایت تاکید شفاف در احترام به توافق های روند صلح. (European Union Center of Excellence, 2008, p. 3) با عدم پذیرش این شرط ها اروپا کمک های مستقیم خود را از آوریل ۲۰۰۶ به حالت تعلیق در آورد. گروه چهارگانه نقشه راه صلح نیز با توجه به عدم تحقق این شروط خواهان اعمال تحریم علیه دولت جدید فلسطین شدند. اما اندکی بعد اعلام شد دفتر ریاست جمهوری فلسطین همچنان از کمک های اروپا و سایر کشورها بهره مند خواهد بود. با توجه به تاثیر مخرب قطع کمک ها بر مردم فلسطین اروپا کمک های اضطراری را در چارچوب یک مکانیزم بین المللی موقت^۱ جایگزین برنامه کمک پیشین کرد.

با بروز اختلاف در میان فلسطینی ها و شدت یافتن آن، موافقت نامه مکه در جهت تشکیل حکومت وحدت ملی^۲ میان فتح و حماس با تقسیم کابینه منعقد شد. هر چند دولت جدید شروط پیش گفته را به صراحت نپذیرفت اما اعلام تعهد حکومت وحدت ملی به توافق های امضا شده توسط ساف و پذیرش ابتکار صلح اعراب که در نشست اتحادیه عرب در ۲۰۰۷ مطرح شده بود از نظر برخی ناظران به منزله شناسایی دوفاکتو اسرائیل بود. بعدها نیز خالد مشعل از رهبران حماس از آمادگی این گروه برای پذیرش استقرار دولت فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۷ خبر داد. (O'Donnell, 2008, p. 13) گفتنی است به دنبال

^۱ - TIM: Temporary International Mechanism

^۲ - NUG: National Unity Government

ارائه ابتکار صلح اعراب، اروپا در ادامه اصرار خود به بهره گیری از رویکردهای چندجانبه گرایانه در روند صلح در ۳۰ می ۲۰۰۷ اعلام کرد یک نشست منطقه ای با اعضای اتحادیه عرب درخصوص این طرح برگزار می کند. با این حال تداوم اختلاف در میان فلسطینی ها در نهایت موجب فروپاشی دولت وحدت ملی شد از این رو محمود عباس رییس جمهور با کنار گذاشتن حماس از قدرت، سلام فیاض را به نخست وزیری انتخاب کرد و پس از آن اروپا و آمریکا مجددا روابط خود را با دولت فلسطین برقرار کردند.

در اواخر نوامبر سال ۲۰۰۷ پس از سال ها بن بست در مذاکرات روند صلح خاورمیانه کنفرانس آنابولیس براساس طرح آمریکا برگزار شد. هدف کنفرانس آنابولیس این بود که اسرائیل و فلسطین تا پایان سال ۲۰۰۸ به یک صلح جامع دست پیدا کنند. هر چند اتحادیه اروپا به عنوان یکی از اعضای گروه چهارجانبه صلح همراه با دیگر کشور در این کنفرانس حضور داشت اما در واقعیت این بار در حاشیه قرار گرفت چرا که ابتکار برگزاری کنفرانس، ارائه پیشنهادات و پیگیری آن بر عهده آمریکا به عنوان ناظر و داور انحصاری روند صلح قرار گرفت و اروپا صرفا می توانست به ایفای یک نقش مکمل در کنار ایالات متحده بپردازد. یک ماه پس از کنفرانس آنابولیس اجلاس بین المللی برای دولت فلسطینی^۱ در پاریس برگزار شد و علاوه بر تعهدات کشورهای اروپایی، اتحادیه اروپا پذیرفت ۶۵۰ میلیون دلار در جهت کمک به برپایی کشور فلسطینی براساس اهداف آنابولیس اهدا کند. در پایان سال ۲۰۰۸ و به دنبال تهاجم اسرائیل به غزه که پس از خاتمه توافق نامه اسرائیل و حماس صورت گرفت، وضعیت جنگی بر منطقه حاکم شد. اتحادیه اروپا در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۸ بیانیه ای صادر و مواضع خود را به این شرح اعلام کرد.

(Statement by the European Union on the Situation in the Middle East, 2008)

۱- لزوم توقف بی قید و شرط حملات راکتی حماس به اسرائیل و پایان عملیات نظامی اسرائیل در غزه. و آمادگی اروپا برای کمک به بازگشایی مجدد مرزها از طریق اعزام EUBAM به رفح با همکاری مصر، حکومت فلسطین و اسرائیل.

^۱ - Conference for the Palestinian State

۲- تاکید بر باز شدن گذرگاه های مسدود شده برای ارسال کمک های غذایی، دارویی و سوخت به نوار غزه و آمادگی برای همکاری با سازمان ملل برای ارسال کمک ها.

۳- تداوم روند صلح براساس قطعنامه ۱۸۵۰ شورای امنیت و تاکید بر اینکه منازعه فلسطینی-اسرائیلی نه در غزه و نه در جای دیگر راه حل نظامی ندارد و باید به روند آغاز شده در آنابولیس و طرح صلح اعراب توجه کرد.

۴- تقاضای اروپا برای آشتی درونی میان فلسطینی ها با تاکید بر نقش رهبری محمود عباس و حمایت از نقش میانجی مصر و اتحادیه عرب.

۵- تاکید بر تلاش در کنار سایر اعضای گروه چهارگانه و کشورهای منطقه برای پایان خشونت ها و آغاز مجدد روند صلح.

تداوم اقدامات نظامی اسرائیل و تلفات گسترده انسانی و مادی در غزه موجب انتقادات گسترده از عملکرد بازیگران بین المللی و نقش سازمان ملل در این درگیری شد. به طوری که ترکیه به عنوان متحد غرب صراحتاً از عدم حساسیت سازمان ملل، آمریکا و اروپا در قبال نوار غزه در مقایسه با موضوع گرجستان انتقاد کرد. در واقع روند آنابولیس به میزان زیادی منجر به حاشیه راندن اروپا و نقشه راه صلح و برجسته کردن نقش ایالات متحده شده بود و انفعال اروپا نیز موجب شد تا اتحادیه به واسطه مواضعش در جنگ غزه با خدشه به اعتبارش مواجه شود. با این حال اتحادیه به حمایت از طرح مصر برای آتش بس پرداخت و فرانسه نیز در طرح مصر مشارکت کرد. براساس طرح مصر و فرانسه، اسرائیل و جناح های فلسطینی ابتدا برای مدت محدودی اقدام به آتش بس می کنند تا شرایط لازم برای ارسال کمک های بشر دوستانه به نوار غزه فراهم شود. سپس اسرائیل و فلسطینی ها همراه با نمایندگان اتحادیه اروپا و سایر طرف های ذینفع درباره تضمین عدم تکرار وضعیت کنونی و رفع علل اساسی بروز درگیری های اخیر به مذاکره می پردازند. از آنجا که اروپایی ها حماس را گروهی تروریستی می دانستند سارکوزی رییس جمهور فرانسه از ترکیه که دارای روابط حسنه با حماس بود خواست در این باره مداخله و نظر مساعد حماس را جلب کند.

شورای وزیران اتحادیه اروپا همچنین در بیانیه ۲۶ ژانویه ۲۰۰۹ با تاکید بر مفاد بیانیه قبلی خود با استقبال از پایان خشونت ها در نوار غزه و درخواست از طرفین برای آتش بس دائمی از طریق

اجرای قطعنامه ۱۸۶۰ شورای امنیت، بر خروج کامل اسرائیل از نوار غزه و باز شدن گذرگاه های مسدود شده همراه با نظارت و کنترل برای جلوگیری از قاچاق سلاح و مهمات به غزه تاکید کرد. همچنین اروپا ضمن حمایت از ابتکار مصر و نیز ابراز تاسف از تلفات انسانی این جنگ از طرفین خواست به حقوق بشر احترام گذاشته و الزامات حقوق بشردوستانه بین المللی را محقق کنند. در پایان نیز ضمن تاکید بر آشتی فلسطینی ها و تشکیل کشور فلسطینی در نوار غزه و کرانه باختری ابراز امیدواری کرد که روند صلح با مشارکت رییس جمهور جدید آمریکا سرعت یابد.

(2921st Council meeting General Affairs and External Relations, 2009, pp. 6-7)

با کاهش برخی محدودیت های اسرائیل در نوار غزه، کاترین اشتون نماینده عالی اتحادیه اروپا به این منطقه سفر کرد اما به رغم استقبال حماس از حضور نماینده اتحادیه برای مشاهده وضعیت اسفبار غزه، وی دیداری با مقامات حماس نداشت. اشتون پس از این دیدار عازم مسکو شد تا در اجلاس مارس ۲۰۱۰ گروه چهارجانبه نقشه راه با حضور وزرای خارجه آمریکا و روسیه و دبیرکل سازمان ملل شرکت کند. این اجلاس که برای پیگیری مذاکرات صلح تشکیل شده بود، تحت شعاع تصمیم جدید اسرائیل برای توسعه شهرک های یهودی نشین قرار داشت به همین دلیل یکی از موضوعات مهم انتقاد شدید شرکت کنندگان از تداوم و گسترش شهرک سازی ها بود. اجلاس چهارگانه در بیانیه پایانی خود تاکید کرد: هیچیک از دو طرف، اسرائیلی یا فلسطینی، نباید برای تاثیرگذاری بر نتیجه مذاکرات صلح، دست به اقدامات یکجانبه بزنند و چنین اقداماتی مورد شناسایی جامعه بین المللی نخواهد بود. بیانیه مسکو در عین حال از فلسطینی ها و اسرائیل خواست که هرچه زودتر، مذاکرات برای یافتن راه حل نهایی برای اختلافات خود را از سر گیرند و طی ۲۴ ماه آینده به راه حل نهایی دست یابند.

اشاره کوارتت به اقدامات یکجانبه از یکسو به اقدامات اسرائیل در توسعه شهرک ها و اسکان یهودیان در بیت المقدس شرقی باز می گشت و از سوی دیگر واکنشی به درخواست فلسطینی ها برای اعلام یکجانبه تشکیل کشور مستقل فلسطینی بود.

فلسطینی ها در نوامبر ۲۰۰۹ اعلام کردند از سازمان ملل می خواهند تا به طور یکجانبه کشور مستقل فلسطینی را به رسمیت بشناسد اما اتحادیه اروپا با این درخواست مخالفت کرد. البته یک ماه پس از مخالفت اتحادیه با این درخواست و به دنبال انتشار اسنادی که حاکی از پیشنهاد سوئد ریاست دوره

ای اتحادیه به شورای وزیران اروپا برای شناسایی بیت المقدس شرقی به عنوان پایتخت کشور مستقل فلسطینی بود، وزارت امور خارجه اسرائیل تحقق آن را لطمه به نقش اتحادیه به عنوان میانجی در روند صلح دانست. براساس این پیشنهاد، اروپا بر تاسیس کشور فلسطین در آینده در کرانه باختری و نوار غزه و به پایتختی بیت المقدس شرقی صحنه می گذاشت. (Guardian, 2009) هر چند پس از پایان نشست مورد اشاره، تنها بر راه حل دو دولت، بازگشت طرفین به مذاکرات، ادامه نقشه راه و توقف شهرک سازی ها از سوی اسرائیل برای پایان منازعه تاکید گردید.

با اقدامات اخیر ایالات متحده برای آغاز مجدد روند صلح در خاورمیانه، اتحادیه اروپا به حمایت از نقش آمریکا پرداخته است و همراه با این کشور خواهان توقف شهرک سازی ها در اراضی اشغالی برای شروع مذاکرات صلح در خاورمیانه شد. اتحادیه در جهت ایجاد توازن در سیاست های خود در بیانیه سپتامبر ۲۰۱۰ نه تنها ساختن این شهرک ها را مطابق حقوق بین الملل «غیرقانونی» دانست بلکه خواستار پایان گرفتن خشونت در منطقه «به ویژه حمله های موشکی» شد. دور جدید مذاکرات صلح بار دیگر با ابتکار آمریکا آغاز گردیده است اما تحقق آن بستگی به توافق طرفین بر سر موضوعات وضعیت نهایی است که امری دشوار است.

جمع بندی

نگاه اتحادیه اروپا به مسائل جهانی و منطقه ای براساس رویکرد «چندجانبه گرایی» است. در این راستا در روند صلح خاورمیانه نیز بر دیپلماسی، صلح همه جانبه و همکاری های بین المللی برای حل و فصل نهایی منازعه تاکید می کند. اروپا در قبال روند صلح خاورمیانه علاوه بر فعالیت در گروه های کاری چندجانبه مادرید و نیز نقشه راه تلاش کرد تا در قالب روند بارسلون، همکاری با شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب و... به پیشبرد صلح و ثبات در خاورمیانه کمک کند. در این راه اتحادیه با تاکید بر حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین به استقرار یک دولت مستقل، دموکراتیک و مقتدر فلسطینی در حفظ صلح و تامین امنیت اسرائیل به عنوان راه حل اصلی پایان منازعه نگاه می کند. رعایت حقوق بین الملل، ایفای نقش سازمان ملل و رعایت قطعنامه های شورای امنیت نیز از جمله توصیه های اتحادیه برای تضمین صلح است. هدف اروپا از این تلاش ها آن است که با ایجاد ثبات و امنیت در

خاورمیانه، نه تنها در حیاط خلوت گذشته خود حضوری دوباره باید بلکه منافع عدیده خود را تامین و تثبیت کند.

مشارکت اروپا در روند صلح خاورمیانه را می توان به سه دوره تقسیم کرد. اول: دوره جنگ سرد که اروپا توفیقی در پیشبرد سیاست هایش با بهره گیری از ابزار اقتصادی و تجاری نداشت. دوم: دوره پس از جنگ سرد تا سال ۲۰۰۲ که به دنبال ناکامی در پیشبرد سیاست هایش در روند صلح از طریق اقدامات تجاری و با رفع محدودیت های دوره گذشته، تلاش کرد نقش سیاسی افزونتری در این روند ایفا کند. از اینرو مواضع شفاف خود را در روند صلح اعلام کرد و سوم: از زمان ارائه نقشه راه صلح تاکنون. دوره ای که اتحادیه برخلاف گذشته و به واسطه عضویت در گروه چهارجانبه صلح موضعی تعدیل شده اتخاذ و صراحت گذشته را در اعمال فشار بر اسرائیل نداشت. همچنین از زمان کنفرانس آنابولیس روند افول نقش آن در روند صلح بیشتر شد و به دنبال مواضعش در زمان به قدرت رسیدن حماس و پس از آن جنگ غزه، اعتماد بخشی از اعراب و فلسطینی ها را از دست داد.

از جنبه دیگر می توان به تعامل و تقسیم کار آمریکا و اروپا در روند صلح اشاره کرد. یعنی در دوره اسلو، آمریکا مدیریت سیاسی مذاکرات را بر عهده گرفت و اروپا به ناچار تامین هزینه ها را عهده دار شد. از این زمان به بعد اروپا به رغم انتقاد از آمریکا به دلیل «جانبداری نامتوازن از اسرائیل» خود مورد انتقاد آمریکا قرار داشت که فقط از اسرائیل انتقاد می کند، رسانه هایش ضد اسرائیلی هستند و در اروپا یهودی ستیزی رواج دارد. بنا به این انتقادات و نیز در جهت جلوگیری از کاهش نقش اتحادیه در روند صلح و با عنایت به اینکه اسرائیل از متحدان اروپا در منطقه محسوب می شود، به مرور از فشارهای اتحادیه کاسته شد و یا به حالت متوازن در آمد. براین اساس اروپا در شرایطی برای پیشبرد مذاکرات معتقد به فشار به همه طرف های منازعه است که آمریکا تعهد چندانی به این موضوع ندارد.

هر چند رویکرد اروپا از تفاوت هایی با جهت گیری بازیگر مسلط روند صلح یعنی ایالات متحده برخوردار است و به رغم تمامی دیدگاه های بعضا مغایر اروپا و آمریکا در عرصه جهانی و منطقه ای و نیز در روند صلح خاورمیانه می توان گفت که اروپا به رغم ایفای نقش فعال در این منازعه و به عنوان اولین بازیگر مهمی که به طرح سه اصل «حق تعیین سرنوشت فلسطینی ها، یک کشور فلسطینی و یک دولت باثبات، دموکراتیک و پایدار فلسطینی» پرداخت و اثبات پیش فرض های آن و در نظر گرفتن این

اصول از سوی سایر بازیگران از جمله آمریکا، همچنان وابسته به موضع گیری و خواست آمریکا (و اسرائیل) باقی خواهد ماند. چرا که اعراب بطور عام و فلسطینی ها به طور خاص، علیرغم تاکید بر مشارکت اروپا و اهمیت نقش آن در تحقق صلح به خوبی واقفند که در شرایط فعلی تنها آمریکا است که می تواند اسرائیل را وادار به حضور در مذاکرات صلح و دادن امتیاز کند. به بیان دیگر تمامی مذاکرات و کنفرانس های صلح از آغاز دهه نود تاکنون نیز ناشی از الزامات قدرت آمریکا بوده است. البته نقش مؤثر اروپا کماکان ادامه خواهد داشت. چرا که اروپا و اسرائیل از شرکای درجه اول اقتصادی یکدیگر هستند و این «برگ برنده ای» در دست اتحادیه برای فشار بر اسرائیل است. همچنین در صورت بروز بحران در عرصه بین المللی و منطقه ای به ویژه با دشوار شدن کار آمریکا در عراق و افغانستان، آمریکا بیش از گذشته محتاج مشارکت اروپا خواهد بود. اروپا خود نیز نیک می داند که در صورت عدم مداخله آمریکا، در شرایط کنونی راهی برای حل و فصل بحران وجود نخواهد داشت. اما هر زمان که آمریکا در اقدامات خود با مانع مواجه شده این سایر بازیگران چون اتحادیه اروپا بوده اند که سعی در گشودن گره مذاکرات صلح داشته اند. همانگونه که تداوم مشکلات منطقه ای آمریکا موجب شد تا در کنار سایر انگیزه ها، به مشارکت اروپا (سازمان ملل و روسیه) در منازعه خاورمیانه رضایت دهد.

به رغم این موضوعات اتحادیه اروپا در تحقق اهداف خود در منطقه خاورمیانه همچنان خود را متعهد به ایفای نقش فعال در روند صلح می داند و با توجه به تجارب و احساس مسوولیت خویش و همچنین توفیق در اعمال برخی سیاست ها که در نهایت مورد پذیرش بازیگران اصلی روند صلح قرار گرفته است، همچنان می کوشد تا علاوه بر آنکه ایفای نقش یک پرداخت کننده^۱ (اقتصادی) را عهده دار است، به ارتقای نقش به عنوان یک بازیگر^۲ فعال و مؤثر (سیاسی) در روند صلح خاورمیانه بپردازد.

^۱ - Payer

^۲ - Player

منابع

- آقاعلیخانی، مهدی، «نقش سازمان ملل در روند صلح خاورمیانه: مقایسه دیدگاه های آمریکا و اروپا نسبت به آن»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی*، سال اول، شماره ۱، اسفند ۱۳۸۸.
- «اعلامیه ریاست شورای اروپایی در مورد روند صلح خاور نزدیک»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، جلد نهم، ۱۳۸۰.
- امامزاده فرد، پرویز. «نظام بین الملل و خلیج فارس: از واقعیت های گذشته و حال تا چشم اندازهای قرن بیست و یکم»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸.
- امامی، محمدعلی. *عوامل تاثیرگذار خارجی در خلیج فارس* (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲).
- ایکنبری، جی جان، *تنها ابرقدرت (هژمونی آمریکا در قرن ۲۱)*، ترجمه عظیم فضلی پور، (تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲).
- «بیانیه اجلاس سران اروپا درباره روند صلح و برپایی دولت فلسطین»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸.
- بولتن ویژه: *خلاصه کتاب پایان دادن به شرارت نوشته دیوید فرام و ریچارد پرل* (تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳).
- پلت، بارابارا. «اسرائیل از قدرت گرفتن اتحادیه اروپا نگران است»، در: <http://www.bbc.co.uk/persian, 14/10/2004>.
- «تسهیلات تجاری اتحادیه اروپا برای اسرائیل»، مترجم ق. طولانی، *ترجمان اقتصادی*، شماره ۲۵، ۸۳/۹/۱۴.
- سلامه، غسان، «خاورمیانه در کشاکش میان اقیانوس اطلس و مدیترانه»، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، *مطالعات خاورمیانه*، سال ۵، شماره ۳ و ۲، تابستان و پاییز، ۱۳۷۷.
- سلیمانی، محمد باقر، *بازیگران روند صلح خاورمیانه* (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹).

- «شورای اروپا و فرآیند صلح خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷.
- شهریاری، مهدی، «طرح مشارکت اروپا-مدیترانه»، *ماهنامه دیدگاه ها و تحلیل ها*، سال ۱۵، شماره ۱۵۶، بهمن ۱۳۸۰.
- کیسینجر، هنری، *دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی (تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۱).
- کگان، رابرت، *بهشت و قدرت، آمریکا و اروپا در نظام نوین جهانی*، ترجمه محمود عبدالله زاده، (تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۲).
- کیانی، داوود، *اتحادیه اروپا و سیاست بین الملل* (تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷).
- لیک، دیوید ای. مورگان، پاتریک ام، *نظم های منطقه ای: امنیت سازی در جهان نوین*، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱).
- نقیب زاده، احمد، *اتحادیه اروپا از آغاز تا امروز* (تهران: قومس، ۱۳۸۲).
- هالستی، کی. جی. *مبانی سیاست بین الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۸۰).

منابع انگلیسی

- 2921st Council meeting General Affairs and External Relations, *Middle East Peace Process* , Brussels, 26 January 2009 , at:
http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/docs/pressdata/en/gena/105561.pdf.
- Anders Persson, *The Transformation of Just Peace: EU and the Middle East Peace Process*, Paper to be Presented at the JAD-PbP Regional Seminar in Jerusalem, May 23-25, 2009, available at :

http://www.lu.se/upload/LUPDF/Samhallsvetenskap/Just_and_Durable_Peace/AndersPersson.pdf.

- Archick, Kristin, *European Views and Policies Toward the Middle East*, Washington: The Library of Congress, March 9, 2005, at:

<http://fpc.state.gov/documents/organization/44134.pdf>.

- Asseburg, Muriel and Moïsi, Dominique and Nonneman, Gerd and Silvestri, Stefano, *the European Union and the crisis in the Middle East*, Paris: Institute for Security Studies European Union, 2003, at:

<http://www.iss.europa.eu/uploads/media/cp062e.pdf>.

- *Declaration by the Presidency on behalf of the EU on Israeli Settlements*, 9 September 2009, 13044/1/09 (Presse 262), at:

http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/docs/pressdata/en/cfsp/109980.pdf.

- Dosenrode, soren and Stubkjaer, Anders, *the European Union and the Middle East*, (London and New York: Sheffield Academic Press, 2002).

- European Union Center of Excellence, *Europe's Role in the Palestinian-Israeli Conflict*, European Union Center of University of North Carolina, March 2008, at:

http://www.euce.org/assets/doc/business_media/media/Palestinian_Israeli_conflict.web.pdf

- European Union Committee (of HOUSE OF LORDS), *The EU and the Middle East Peace Process*, London, Authority of the House of Lords, 24 July 2007, at:

<http://www.publications.parliament.uk/pa/ld200607/ldselect/ldeucom/132/132i.pdf>.

- European Union External Action, *EU positions on the Middle East Peace Process*, at: http://eeas.europa.eu/mepp/eu-positions/eu_positions_en.htm.

Everts, Steven, *The EU and the Middle East: a call for Action*, London: Centre for European Reform, January 2003, at:

http://www.cer.org.uk/pdf/wp424_middle_east.pdf.

- Haaretz, EU: West Bank Goods Aren't Israeli, 25.02.2010, at:

<http://www.haaretz.com/news/eu-west-bank-goods-aren-t-israeli-1.263748>.

- Mccarthy, Rory, *Guardian*, East Jerusalem should be Palestinian Capital, Says EU Draft Paper, 1 December 2009, at:

<http://www.guardian.co.uk/world/2009/dec/01/eu-draft-document-east-jerusalem>.

- Migdalovitz, Carol, *The Middle East Peace Talks*, Washington: The Library Of Congress, January 13, 2006, at:

<http://fpc.state.gov/documents/organization/59920.pdf>.

Miller, Rory, «The PLO Factor in Euro-Israeli Relations, 1964-1992», *Israel Affairs*, Vol. 10., No. 182, Winter 2004.

- O'Donnell, Clara Marina, *The EU, Israel and Hamas*, London: Centre for European Reform, 2008, at: http://www.cer.org.uk/pdf/wp_820.pdf.
- Statement by the European Union on the Situation in the Middle East, 30 December 2008 at:
http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/docs/pressdata/en/cfsp/105082.pdf.
- Steinberg, Gerald M. «The European Union and The Middle East Peace Process», *Jerusalem Letter/Viewpoints*, No. 418, 15 November 1999, at:
<http://www.jcpa.org/jl/vp418.htm>.